



لیبرالیزم نقد و ضیانت

فرانسیس فوکویاما

رحمن قہرمان پور

سرشناسه: فوکویاما، فرانسیس، ۱۹۵۲-م.

Fukuyama, Francis

عنوان و نام پدیدآور: لیبرالیسم و ناراضیانش/ فرانسیس فوکویاما؛ ترجمه رحمن قهرمانپور.

مشخصات نشر: تهران: روزنه، ۱۴۰۱.

مشخصات ظاهری: ۱۵۵ ص.؛ ۵/۱۴ × ۵/۲۱ س.م.

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۴۷۹-۵

وضعیت فهرست نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: Liberalism and its discontents, ۲۰۲۲.

یادداشت: چاپ‌های دیگر کتاب حاضر با عناوین "لیبرالیسم و ناراضیاتی‌های آن" و "لیبرالیسم و انتقادات وارد بر آن" توسط

مترجمان و ناشران متفاوت در همین سال فیبا گرفته‌است.

عنوان دیگر: لیبرالیسم و ناراضیاتی‌های آن.

عنوان دیگر: لیبرالیسم و انتقادات وارد بر آن.

موضوع: آزادخواهی

Liberalism

چپ و راست (علوم سیاسی)

Right and left (Political science)

شناسه افزوده: قهرمانپور، رحمن، ۱۳۵۴-، مترجم

رده بندی کنگره: J۵۷۴

رده بندی دیویی: ۳۲۰/۵۱

شماره کتابشناسی ملی: ۸۹۴۷۶۱۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیبا



لیبرالیسم و ناراضیانش

تألیف: فرانسیس فوکویاما

ترجمه: رحمن قهرمانپور

طرح جلد: نرگس موسوی

چاپ اول: ۱۴۰۱

شمارگان: ۵۰۰ نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ تومان

چاپ و صحافی: پردیس دانش

آدرس: خیابان مطهری، خیابان میرزای شیرازی جنوبی، پلاک ۲۰۲، طبقه ۳، انتشارات روزنه

تلفن: ۸۸۵۳۷۳۰ - ۸۸۵۳۶۳۱ ☎️ نمابر: ۸۶۰۳۴۳۵۹

سایت: www.rowzanehnashr.com 🌐

rowzanehnashr 📧

rowzanehnashr 📷

ISBN: 978-622-234-479-5

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۲۳۴-۴۷۹-۵

تمام حقوق برای ناشر محفوظ است *

فهرست

مقدمه مترجم	۷
مقدمه	۱۱
فصل اول: لیبرالیسم کلاسیک چیست؟	۱۹
فصل دوم: از لیبرالیسم تا نئولیبرالیسم	۳۵
فصل سوم: فرد خودخواه	۴۷
فصل چهارم: خود حاکم بر سرنوشت خویش	۶۳
فصل پنجم: خودزنی لیبرالیسم	۸۱
فصل ششم: نقد عقلانیت	۱۰۱
فصل هفتم: فناوری، حوزه خصوصی و آزادی بیان	۱۱۷
فصل هشتم: آیا راه‌های جایگزینی وجود دارد؟	۱۳۵
فصل نهم: هویت ملی	۱۵۱
فصل دهم: اصول یک جامعه لیبرال	۱۶۳
کتاب‌نامه	۱۷۷

مقدمه مترجم

اجازه دهید با الهام از آنچه پست مدرن‌ها می‌گویند خواندن این کتاب را از نتیجه‌گیری آن آغاز کنیم. فوکویاما می‌گوید افراط در لیبرال بودن و هل دادن لیبرالیسم به سمت سیاست‌های افراطی و نامعتدل عامل اصلی بی‌اعتبار شدن آن در چند دهه گذشته بوده است. البته او بیشتر از آنکه خود لیبرالیسم در معنای کلاسیک آن را مقصر بداند، نئولیبرالیسم را در این بی‌اعتبار شدن عامل اصلی می‌داند. نئولیبرالیسم به‌عنوان یک موج اقتصادی و سپس سیاسی که از دهه ۱۹۸۰ آغاز شد، خوانش و قرائتی افراطی از اصول لیبرالیسم کلاسیک در حوزه‌های مختلف بود. در اقتصاد مخالف با دخالت دولت و حتی سیاست اجتماعی آن تبدیل به اصلی خدشه‌ناپذیر و مقدس شد و دفاع از مداخلات بهنگام و رفاهی دولت امری مذموم و حتی خلاف قوانین طبیعت و به تعبیری نظم خود انگیخته اجتماعی تلقی شد. با کاهش مداخله دولت در اقتصاد و حذف مقررات و در ادامه جهانی شدن اقتصاد و تجارت و کاهش محدودیت‌ها بر مبادلات مالی باعث شد نابرابری اجتماعی حتی در لیبرالیسم دموکراسی‌های ثروتمند تشدید شود. طبقات تحصیل کرده و ثروتمند از این وضعیت منتفع شده قوی‌تر از قبل شدند اما کارگران و افراد کم‌برخوردار بر اثر این سیاست‌ها فقیرتر و ضعیف‌تر شدند.

اگر فوکویاما در کتاب بسیار مهم نظم و زوال سیاسی، حامی‌پروری سیاسی را علت اصلی زوال نظم موجود در لیبرال دموکراسی‌ها می‌داند در کتاب هویت، تشدید رقابت‌های سیاسی بر سر هویت و به تعبیری سیاست هویت را آفتی برای لیبرال دموکراسی‌ها می‌داند، در کتاب حاضر سعی می‌کند آفتی بنام افراطی شدن لیبرالیسم در قالب نئولیبرالیسم را موشکافی کند. او در هر سه اثر فوق به رسالت اصلی خود به‌عنوان یک

مومن به لیبرالیسم پای‌بند می‌ماند و آن ترمیم و اصلاح لیبرال دموکراسی‌ها است که فوکویاما زمانی آن را برترین الگوی حکومتداری در دوران پایان تاریخ می‌دانست. او با وجود تجدید نظر اساسی در تز پایان تاریخ خود، همچنان معتقد است لیبرالیسم اصیل و به تعبیری کلاسیک و انسان‌گرا مطلوب‌ترین مدل حکومت در میان مدل‌های موجود در جهان است. از این منظر نقد او به لیبرال دموکراسی‌ها و نئولیبرالیسم نقدی درونی و در راستای اصلاح و تقویت آن و نه ارایه بدیلی برای آن است. فوکویاما در کتاب حاضر صریح‌تر از کتاب‌های قبلی به دفاع از لیبرالیسم کلاسیک می‌پردازد و اذعان می‌کند بخش قابل توجهی از نقدی وارد شده به نئولیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری درست است و حکومت‌های لیبرال باید آنها را جدی گرفته در صدد اصلاح خود برآیند. دیدگاه او نسبت به امکان ارائه مدلی جایگزین از سوی چین تغییر نکرده و او مثل گذشته بر این باور است چین توان ارائه بدیلی در برابر لیبرال دموکراسی‌ها را ندارد هر چند می‌پذیرد قدرت چین نسبت به گذشته در سیاست جهانی و اقتصاد جهان بیشتر شده است.

فوکویاما در کتاب هویت، سیاست‌های هویتی راست و چپ افراطی را مورد حمله قرار می‌دهد و در این کتاب رویکرد آنها به نئولیبرالیسم را به معنای از حیث انتفاع ساقط شدن اصول بنیادین لیبرالیسم کلاسیک نمی‌داند و قویاً بر این باور است امکان احیای لیبرالیسم و پیراستن آن از آفت‌های نئولیبرالیسم وجود دارد. اینجاست که او به این آموزه محافظه کارانه اما قابل تأمل می‌رسد که محدودیت همواره بد و مذموم نیست و ای بسا در شرایطی سبب ساز پیشرفت شود. پس او طرفداران نئولیبرالیسم را فرا می‌خواند تا محدودیت‌های موردنظر لیبرالیسم کلاسیک در سیاست و اقتصاد را بپذیرند و کورکورانه و بنام اصل صاحب اختیار بودن انسان و فردگرایی در لیبرالیسم با هر نوع محدودیتی مخالفت نکنند و در انگاره‌ی خود تجدید نظر کرده و آنها را مطلق انگاری نکنند.

در اینجا باید به یک نکته ظریف توجه کرد. فوکویاما بیشتر از آنکه به بحران دموکراسی بپردازد به بحران لیبرالیسم می‌پردازد و هرچند این دو را به لحاظ تاریخی گره خورده به هم می‌داند اما معتقد است بخش عمده‌ای از بحران دموکراسی ریشه در بحران لیبرالیسم دارد و به همین دلیل او برخلاف نظریه پردازانی چون رابرت تلیس، دانیل زیلات و دیگر نظریه پردازان دموکراسی به موضوعی می‌پردازد که کمتر مورد توجه بوده و آن بحران بوجود آمده برای لیبرالیسم بر اثر سیاست‌های نئولیبرال است.

شاید کمتر کسی از میان لیبرال‌ها بتواند مثل فوکویاما صراحتاً و شفاف اصول فکری و سیاست‌گذارانه موج نئولیبرالیستی را به چالش بکشد و خواهان جمع کردن دست و پای سیاست‌های نئولیبرال باشد. زیرا نئولیبرال‌ها در سال‌های اخیر توانسته‌اند با حملات مداوم به چپ و حتی چپ انتقادی و نیز موج پوپولیسم خود را از پاسخگویی در برابر نتایج بد و فاجعه بار نئولیبرالیسم خلاص کنند. اما فوکویاما در این کتاب که چند ماه پیش منتشر شده به شکل بی‌سابقه‌ای نئولیبرالیسم را از جهات مختلف مورد نقد جدی قرار می‌دهد و میان آن و لیبرالیسم کلاسیک مرز روشن قائل می‌شود.

فوکویاما بیشتر از آنکه یک روشنفکر در معنای اروپایی آن باشد و در همه حوزه‌ها نظر انتقادی بدهد، نظریه پردازی است که راه ساده نوشتن مفاهیم پیچیده را بخوبی بلد است. تا جایی که می‌تواند در چند صفحه و به زبان ساده نقدهای جدی بر رالز وارد کند! از همین رو کتاب حاضر با وجود کم حجم بودن و زبان نسبتاً ساده‌ای که دارد، مفاهیم و بحث‌های عمیق و دامنه داری را مطرح می‌کند که فهم دقیق‌تر آنها نیازمند مطالعات بیشتری است. به‌همین سان نقد او بر اندیشه‌های هایدکوتاه اما گزنده و عمیق است. فوکویاما در دو دهه گذشته در عرصه عمومی آمریکا فعال بوده و درباره موضوعات و چالش‌های مختلف پیش‌روی سیاست در آمریکا سخن گفته است. درباره جنگ اوکراین و لزوم دفاع غرب از اوکراین در برابر روسیه هم مطالب زیادی نوشته است. این حضور در متن جامعه و تا حدی سیاست باعث شده است آثار فوکویاما صرفاً نوشته‌ای دانشگاهی و تخصصی نباشد و برای عموم کتاب‌خوان‌ها هم جذابیت داشته باشد. از همین رو امیدوارم ترجمه کتاب حاضر نیز مثل ترجمه دو اثر قبلی وی در ایران مورد توجه اهل نظر باشد. از نشر روزنه و شخص آقای علیرضا بهشتی جهت پیشنهاد ترجمه این کتاب سپاسگزارم. از شهاب دلیلی بخاطر خواندن ترجمه اولیه و ارائه پیشنهادات تشکر می‌کنم از خانم اورشان و سایر همکاران نشر روزنه تشکر ویژه دارم که در این سال‌ها کار آماده‌سازی کتاب‌های ترجمه شده از فوکویاما را به نحو احسن انجام داده‌اند. از همسر من مهناز سعیدی و دو فرزندم سارا و سام هم بدلیل فراهم آوردن محیطی آرام برای تامل و نوشتن هم سپاس ویژه دارم. طبیعی است هر نوع کاستی و ضعف در ترجمه متوجه بنده است.

مقدمه

هدف از نوشتن این کتاب دفاع از لیبرالیسم کلاسیک است و اگر این عبارت از نظر معانی مختلف آن در تاریخ سردرگم کننده باشد می‌توان آن را به تأسی از درید مک کلوسکی^۱ «لیبرالیسم انسان‌گرا» نامید.^(۱) معتقدم در دنیای امروز لیبرالیسم با تهدیدی طاقت‌فرسا مواجه شده است حال آن‌که زمانی بدیهی تلقی می‌شد. از این‌رو لازم است فضایل آن دگر بار شفاف بیان شده و پاس داشته شود.

منظور من از لیبرالیسم، دکترین و آموزه‌ای است که اول بار در نیمه دوم قرن هفدهم ظهور و ادعا کرد باید با ابزار قانون و در مرتبه‌ای بالاتر قانون اساسی قدرت حکومت‌ها را محدود و نهادهایی در حمایت از حقوق افرادی که در قلمرو این حکومت‌ها زندگی می‌کنند، تأسیس کرد. من لیبرالیسم را آن چیزی نمی‌دانم که امروزه در ایالات متحده در توصیف سیاست چپ مایل به مرکز استفاده می‌شود، سیاستی که دربرگیرنده افکار و اندیشه‌هایی است که نشان خواهیم داد از لیبرالیسم کلاسیک خیلی منحرف شده‌اند. هم‌چنین مراد من آنی نیست که در آمریکا لیبرتاریانیسم نامیده می‌شود و ویژگی اصلی آن دشمنی با حکومت است. این عبارت را در معنای اروپایی آن نیز که به احزاب راست میانه مشکوک به سوسیالیسم اشاره می‌کند، استفاده نمی‌کنم. لیبرالیسم کلاسیک چتری بزرگ بر سر طیفی از نظرات سیاسی است که در باب اهمیت بنیادین حقوق برابر افراد، قانون و آزادی اتفاق نظر دارند.

پسرفت، لیبرالیسم در سال‌های اخیر واضح و آشکار است. طبق یافته‌های فریدم هاوس (یا خانه آزادی)، حقوق سیاسی و آزادی‌های مدنی در جهان در فاصله سه و نیم دهه از ۱۹۷۴ تا اول دهه ۲۰۰۰ افزایش یافت اما از پانزده سال قبل سیر نزولی بخود گرفته و دوران موسوم به رکود یا حتی کساد دموکراتیک آغاز شده است.^(۲)

1. McCloskey

در لیبرال دموکراسی‌های مستحکم، مستقیماً به نهادهای لیبرال حمله می‌شود. رهبرانی مثل ویکتور اوربان در مجارستان، یاروسلاو کازینسکی در لهستان، ژانر بولسونارو در برزیل، رجب طیب اردوغان در ترکیه و دونالد ترامپ در آمریکا که مشروع انتخاب شده‌اند، از اختیاراتی که انتخابات به آن‌ها داده استفاده کرده به نهادهای لیبرال حمله می‌کنند. نهادهایی مثل دادگاه‌ها و نظام قضایی، بوروکراسی‌های دولتی غیرحزبی، رسانه‌های مستقل و دیگر نهادهایی که در نظام نظارت و موازنه محدودکننده قدرت اجرایی‌اند. اوربان در بستن دست و پای دادگاه‌ها با کمک حامیان و کنترل اغلب رسانه‌های مجارستان توسط متحدان (سیاسی) خود کاملاً موفق بوده است. ترامپ در تضعیف نهادهایی چون وزارت دادگستری، جامعه اطلاعاتی، دادگاه‌ها و رسانه‌های جریان اصلی موفقیت کمتری داشت اما نیت او تا حد زیادی مشابه اوربان بود.

در سال‌های اخیر پوپولیست‌های راست‌گرا و چپ مرفی احیا شده لیبرالیسم را به چالش کشیده‌اند. انتقادات آنها (از لیبرالیسم) از این اتهام - فی‌نفسه درست - جان گرفت که جوامع لیبرال به آرمان برخورد یکسان با همه گروه‌ها عمل نمی‌کنند. این انتقاد رفته‌رفته بارور و اسباب حمله به اصول بنیادین لیبرالیسم شد، اصولی مثل اولویت حقوق فردی در برابر حقوق گروه‌ها، برابری همه انبای بشر بعنوان ستون اصلی قانون اساسی و حقوق لیبرال و ارزش آزادی بیان و عقلانیت علمی در فهم حقیقت. نتیجه عملی این اتفاق، تحمل نکردن دیدگاه‌های ناهمسو با نظرات قشری مرفی‌های جدید و استفاده از اشکال متفاوت قدرت اجتماعی و دولتی برای تحمیل چنین نظراتی است. به صداهای معترض فرصت نمی‌دهند تا اثرگذار شوند و کتاب‌ها نه از سوی حکومت‌ها بلکه از جانب سازمان‌های قدرتمندی که توزیع آن‌ها را کنترل می‌کنند ممنوع می‌شود.

ادعای من این است که دلیل ناخرسندی پوپولیست‌های راست و مرفی‌های چپ از لیبرالیسم کنونی وجود ضعف‌های بنیادین در آموزه‌های آن نیست. برعکس آن‌ها از آن چه نسل‌های اخیر بر سر لیبرالیسم آورده‌اند، ناراحت‌اند.

لیبرالیسم اقتصادی از اواخر دهه ۱۹۷۰ چیزی شد که اکنون نئولیبرالیسم نام گرفته و عامل افزایش شدید نابرابری و بحران مالی خانمان براندازی است که در اغلب کشورهای دنیا به مردم عادی خیلی بیشتر از نخبگان ثروتمند آسیب زده است. این نابرابری جان کلام انتقاد مرفی‌ها از لیبرالیسم و نظام سرمایه‌داری است که همدست آن است. حقوق

نهادی لیبرالیسم مدافع حقوق همه افراد از جمله نخبگان فعلی است که حاضر به واگذاری ثروت و قدرت خود نیستند و مانع برقراری عدالت به سود گروه‌های طردشده می‌شوند. لیبرالیسم مبانی ایدئولوژیک اقتصاد بازار را فراهم آورد و لذا در نظر بسیاری از مردم شریک جرم نابرابری‌های حاصل از سرمایه‌داری است. بسیاری از فعالان جوان و کم‌حوصله نسل زد^۱ در آمریکا و اروپا لیبرالیسم را رویکرد از مد افتاده دوران اوج زاد و ولد (بعد از جنگ جهانی دوم) و نظامی می‌دانند که نمی‌تواند خودش را اصلاح کند.

هم‌زمان فهم از استقلال فردی بی‌محابا گسترش یافت و ارزش آن از سایر دیدگاه‌ها و نظرات درباره زندگی خوب نظیر رویکردهای فرهنگی و مذهبی به مراتب بیشتر شد. محافظه‌کاران فهم را تهدیدی علیه باورهای بنیادی خود تلقی کرده احساس کردند جریان اصلی جامعه فعالانه علیه آن‌ها تبعیض اعمال می‌کند. احساس کردند نخبگان از ابزارهای غیردموکراتیک - مثل کنترل رسانه‌های جریان اصلی، دانشگاه‌ها، دادگاه‌ها و قدرت اجرایی جهت پیش‌برد اهداف خود استفاده می‌کنند. حتی پیروزی محافظه‌کاران در بسیاری از انتخابات برگزار شده در این دوره زمانی در آمریکا و اروپا باعث فروکش کردن جزر و مد این تغییر فرهنگی نشد.

این ناخرسندی‌ها در کنار آن‌چه در دهه‌های اخیر بر لیبرالیسم گذشت باعث شد چپ و راست خواهان آن شوند که این دکترین از بیخ و بن کنده شده و نظام متفاوتی جایگزین آن شود. در جناح راست تلاش‌هایی برای دستکاری نظام انتخاباتی در آمریکا آغاز شده تا ماندن محافظه‌کاران در قدرت را تضمین کند بی‌آن‌که حق انتخاب دموکراتیک مورد توجه قرار گیرد، عده‌ای هم با سبک سری توسل به خشونت و تشکیل یک حکومت اقتدارگرا را پاسخ مناسب به این تهدیدات می‌دانند. درخواست جناح چپ هم باز توزیع وسیع ثروت و قدرت و به رسمیت شناختن گروه‌ها به جای افراد آن هم براساس خصوصیات ثابتی چون نژاد و جنسیت و سرانجام اتخاذ سیاست‌ها و تصمیم‌هایی است که بین نژادها و جنسیت‌ها برابری ایجاد کند. احتمال تحقق هر یک از خواست‌ها با ایجاد یک اجماع گسترده اجتماعی دور از ذهن است و لذا مترقی‌ها با خوشحالی از دادگاه‌ها، نهادهای اجرایی و قدرت فرهنگی و اجتماعی چشمگیر خود برای پیشبرد این

۱. منظور از نسل زد، نسلی است که در دوران گسترش شبکه‌های اجتماعی، اینترنت و گوشی‌های هوشمند دنیا آمده است و به نسل گوگل و بومیان دیجیتال هم معروف است.

دستور کار استفاده می‌کنند. این تهدیدات علیه لیبرالیسم هم وزن و قرینه نیستند. تهدید راست فوری‌تر و سیاسی‌تر و تهدید چپ عمدتاً فرهنگی و لذا کندتر است. ولی علت هر دو تهدید ناخرسندی از لیبرالیسم است که بیشتر از آن که متوجه ذات و اساس دکترین (لیبرالیسم) باشد ناشی از نحوه تفسیر و افراطی شدن برخی ایده‌های درخشان لیبرالیسم است. پاسخ این ناراضی‌ها نه کنار گذاشتن لیبرالیسم بلکه اصلاح آن است.

طرح کلی کتاب حاضر بدین‌گونه است. فصل ۱ لیبرالیسم را تعریف کرده سه رویکرد اصلی در توجیه تاریخی آن را مطرح می‌کند. فصل ۲ و ۳ نگاهی دارد به این که چه‌گونه لیبرالیسم اقتصادی به شکل افراطی «تئولیبرالیسم» درآمد و باعث تحریک اعتراضات شدید و ناراضی‌ها از سرمایه‌داری شد. فصل ۴ و ۵ بررسی می‌کند چه‌گونه استقلال فردی به‌عنوان یک اصل بنیادی لیبرال مطلق انگاری شد و زمینه که انتقاد از فردگرایی و جهانشمولی که تکیه‌گاه لیبرالیسم‌اند را فراهم کرد. فصل ۶ نقد علوم طبیعی را که ابتدا از جانب چپ‌های مترقی آغاز اما به سرعت به سمت راست‌های پوپولیست کشیده شد، را بررسی می‌کند و فصل ۷ توضیح می‌دهد فناوری مدرن چه‌گونه اصل لیبرال آزادی بیان را به چالش کشیده است.

فصل ۸ می‌پرسد آیا راست یا چپ بدیل بادوامی برای لیبرالیسم دارند؟ فصل ۹ چالش‌های ناشی از ضرورت داشتن هویت ملی بر لیبرالیسم را مطالعه می‌کند و فصل ۱۰ اصول کلی لازم برای احیای ایمان به لیبرالیسم کلاسیک را برمی‌شمارد.

نمی‌خواهم کتاب حاضر صرفاً درباره تاریخ اندیشه لیبرال باشد. ده‌ها نویسنده برجسته درباره سنت لیبرال قلم‌فرسایی کرده‌اند و بسیاری از منتقدان لیبرالیسم در سال‌های گذشته هم کاری مشابه کرده‌اند.^(۳) اگر نگوییم هزاران، صدها کتاب خدمات خود به لیبرالیسم را شرح داده و روشن‌گری کرده‌اند. در عوض قصد من تمرکز بر آن چیزی است که ایده‌های اساسی و مستحکم‌کننده لیبرالیسم معاصر می‌دانم و ضعف‌های بنیان برافکنی است که تن نظریه لیبرال را رنجور کرده است.

در زمانه‌ای این کتاب را به رشته تحریر درمی‌آورم که لیبرالیسم با نقدها و چالش‌های بی‌شماری رودرو شده و بسیاری از مردم آن را یک ایدئولوژی کهنه و زهوار دررفته می‌دانند که در پاسخ دادن به چالش‌های زمانه درمانده است. اول بار نیست لیبرالیسم نقد می‌شود. اندک زمانی پس از آن که انقلاب فرانسه لیبرالیسم را یک ایدئولوژی زنده

و پویا کرد منتقدان رمانتیک که آن را متکی به حساب و کتاب و جهان‌بینی بی‌روح می‌دانستند، حمله به آن را آغاز کردند. بعدها ناسیونالیست‌ها که پیروز میدان جنگ جهانی اول بودند و کمونیست‌های مخالف آن‌ها به لیبرالیسم حمله کردند. در خارج از اروپا دکتربین‌های لیبرال توانستند در جوامعی مثل هند ردپایی از خود برجا بگذارند اما ناسیونالیست‌ها، مارکسیست‌ها و جنبش‌های مذهبی به سرعت آن‌ها را به چالش کشیدند. اما لیبرالیسم از این چالش‌ها جان سالم بدر برد و در اواخر قرن بیستم اصل مسلط و غالب سازماندهی قسمت اعظم سیاست جهانی شد. دوام و ماندگاری آن گویای این واقعیت است که هنوز وجوه اقتصادی، اخلاقی و عملی آن برای بسیاری از مردم به ستوه آمده از کشمکش‌های خشونت‌بار دیگر نظام‌های سیاسی، جذابیت دارد. لیبرالیسم برخلاف آن‌چه پوتین گفته نه یک دکتربین «منسوخ» بلکه یک ضرورت در دنیای به هم پیوسته و متنوع کنونی است. به همین دلیل بازگویی سیاست لیبرال و بیان دلایل احساس ناقص بودن آن از نظر بسیاری از مردم ضروری و لازم است.

بعد از سال ۲۰۱۶ تعداد بی‌شماری کتاب، مقاله و بیانیه تند در تحلیل کاستی‌های لیبرالیسم نوشته و توصیه کرده‌اند لیبرالیسم چه‌گونه خود را با اوضاع و احوال کنونی سازگار کند.^(۴) من بخش اعظم عمر خود را صرف پژوهش، تدریس و نوشتن درباره سیاست‌گذاری عمومی کرده و ایده‌های زیادی درباره اتخاذ ابتکار عمل‌هایی جهت بهبود زندگی در لیبرال دموکراسی‌های کنونی ارائه کرده‌ام. اما این کتاب به جای اشاره به فهرست کلی این پیشنهادات، مشخصاً بر اصول بنیادین و قوام بخش یک رژیم لیبرال تمرکز خواهد کرد تا ضمن نشان دادن برخی کاستی‌های آن، راه‌هایی برای رفع این کاستی‌ها نشان دهد. می‌خواهم ثابت کنم لیبرالیسم با همه ضعف‌هایش همچنان برتر از بدیل‌های غیرلیبرال خود است. نتیجه‌گیری‌های سیاست‌گذارانه خاص از این اصول کلی را به دیگران واگذار می‌کنم.

از آندرو فرانکلین ناشر بریتانیایی کتاب در انتشارات پروفایل بوکس که مرا سمت نوشتن کتاب حاضر هل داد تشکر می‌کنم. آندرو همه نه کتاب گذشته مرا چاپ کرده و در چند دهه گذشته ویراستاری بی‌نظیر و یک حامی برای من بوده است. همین‌طور از ویراستار آمریکایی کتاب، اریک چینسکی سپاسگذارم که توصیه‌های ارزشمندی درباره محتوا و ظاهر کتاب داشت.

ایش تر نویبرگ، کارولینا سوتون و سوفی بیکر نمایندگان ادبی من زحمات بسیار زیادی پیش از چاپ کتاب حاضر کشیده‌اند. من در پاییز سال ۲۰۲۱ با همکاری جف گدمن و همکاران دیگر نشریه‌ای آنلاین به نام آمریکن پورپوس^۱ راه‌اندازی کردم و کتاب حاضر برگرفته از اولین مقاله نوشته شده برای آن است.^(۵) این مقاله درصدد تعریف اهداف نشریه بود و امیدوارم در کشمکش ایدئولوژیک و سیاسی کنونی مفید باشد. همین‌طور تشکر خود را نثار همکاران و کارکنان نشریه می‌کنم، ساموئل میون، شادی حمید، ایان بسین، جیت هبر، درو و آجای شانکار، شیخا دالمیا، آرون سیباریوم، جوزف کاپیزی و ریچارد تامپسون فورد که مقاله اصلی را خوانده و نظرات خود را نوشته بود. جا دارد از برخی دیگر به خاطر توصیه‌ها و نظراتی که دادند تشکر کنم از جمله از تارا ایزابلا بورتن، گرهارد کاسپر، شیخا دالمیا، مارک کوردو ور، دیوید اپشتاین، لری دایموند، مائیلد فاستینگ، دیوید فوکویاما، بیل گالستون، جف گدمن، اریک پنین، یاکامونک، مارک پلاتیز و آبه شولسکی، در نهایت از این زوارکر دستیار پژوهشی‌ام تشکر و قدردانی می‌کنم.

1. American purpose

یادداشت

1. Deirdre McCloskey, *Why Liberalism Works: How True Liberal Values Produce a Freer, More Equal, Prosperous World for All* (New Haven, CT: Yale University Press, 2019).
2. See *Freedom in the World 2021: Democracy Under Siege* (Washington, DC: Freedom House, March 2021), which downgrades the freedom scores of both the US and India in 2020; Larry Diamond, “Facing Up to the Democratic Recession,” *Journal of Democracy* 26 (2015): 141–55.
3. See, for example, Edmund Fawcett, *Liberalism: The Life of an Idea* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2014); Helena Rosenblatt, *Lost History of Liberalism* (Princeton, NJ: Princeton University Press, 2018); Larry Siedentop, *Inventing the Individual: The Origins of Western Liberalism* (London: Allen Lane, 2014); John Gray, *Liberalisms: Essays in Political Philosophy* (London and New York: Routledge, 1989).
4. Edward Luce, *The Retreat of Western Liberalism* (New York: Atlantic Monthly Press, 2017); Timothy Garton Ash, “The Future of Liberalism,” *Prospect* (December 9, 2020).
5. Francis Fukuyama, “Liberalism and Its Discontents,” *American Purpose* (October 3, 2020).

فصل اول



لیبرالیزم کلاسیک
چیست؟

برای خرید کتاب لیبرالیسم و ناراضیانش به لینک‌های زیر مراجعه کنید

[لیبرالیسم و ناراضیانش](#)

[نشر روزنه](#)